



نقش عدالت ترمیمی و شورای حل اختلاف در کاهش هزینه های مالی دادرسی

هاشم فرهادی^۱
احمد شمس^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

چکیده

یکی از موانع جدی در دادرسی عادلانه حقوقی هزینه مالی آن است که موجب اثرگذاری بر تحقق عدالت مدنی می شود. افزایش سالانه هزینه های دادرسی موجب محدودیت در توانایی تأمین مالی اشخاص حقیقی و حقوقی در طرح دعاوی و احقاق حق از طریق مراجعه به دستگاه عدلیه و دادخواهی می شود. تحقق عدالت اقتصادی، اجتماعی و مدنی توسط دولتها به پیامدهای حل این موضوع بستگی دارد. نظام حاکمیتی با افزایش مخارج هزینه های سخت افزاری و نرم افزاری از تهیه قبیل فضای فیزیکی و تامین نیروی انسانی برای نهاد قضایی روبرو می باشد. افزایش روز افزون دعاوی و تعداد پرونده های قضایی لزوم حل فصل اختلافات از طریق سازش و داوری توسط نهاد های خارج از دادگاه با رویکرد عدالت ترمیمی اجتناب ناپذیر است. در ایران شورای حل اختلاف به عنوان یک نهاد شبه قضایی با رویکرد تصالحی نقش موثری در کاهش هزینه دادرسی از طریق بررسی منصفانه با رویکرد عدالت ترمیمی ایفا نموده است. مقاله حاضر در سه گفتار به تاثیر فرایند عدالت ترمیمی و نهاد های خارج از دادگاه در کاهش هزینه دادرسی می پردازد.

واژه های کلیدی: عدالت ترمیمی، هزینه دادرسی، مراجع شبه قضایی شورای حل اختلاف.

طبقه بندی JEL: K0, K4, D63

۱- گروه حقوق خصوصی واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. Farhadi . hashem @yahoo. Com

۲- گروه حقوق بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. ایران (نویسنده مسئول)

shams1965@yahoo.com" @yahoo.com

۱- مقدمه

افزایش هزینه های دادرسی در رسیدگی های قضایی موجب عدم امکان طرح دعوی حقوقی مدنی از جانب اشخاص ذیحق برای احقاق حق و از موانع تحقق عدالت اجتماعی در جامعه می باشد. به طوریکه هزینه اولیه اقامه دعوا و هزینه های تبعی از جمله حق الوکاله و هزینه های کارشناسی در فرایند دادرسی در پاره ای از موارد موجب انصراف اشخاص از طرح و ادامه دادرسی شده است. این باور که اگر شخصی فاقد ملاتت مالی برای احقاق حق در صورت تعدی علیه اموال و مالکیت باشد، نمی تواند از حقوق مسلم خود محافظت و دفاع کند، مصداق بارز تبعیض در جامعه و بی عدالتی اجتماعی است. گرچه بموجب قانون اساسی حفظ حقوق مدنی و حق مالکیت افراد جامعه از مسئولیت های حاکمیت است و هزینه آن از بودجه عمومی صرف می گردد اما به دلیل گسترش روابط اقتصادی و تجاری اشخاص و بروز تعارض منافع بین افراد، دولت ها قادر به رایگان نمودن هزینه های مراجع قضایی نبوده و از اینرو به ناچار بخش زیادی از این هزینه ها از طریق اخذ مستقیم هزینه دادرسی یا از طریق اخذ مالیات انجام می شود البته با توسعه صنعت بیمه اخیرا بعضی از شرکت های بیمه مسولیت مدنی اشخاص را در برابر هرگونه شکایت و دعاوی آینده له و یا علیه آنان بیمه نموده و کلیه مخارج را اعم از هزینه های دادرسی و حق الوکاله و ... را برعهده می گیرند.

همزمان با تشکیل و ایجاد مراجع شبه قضایی و روش های جایگزین حل اختلاف مانند شورای حل اختلاف، میانجیگری و داوری و حل فصل اختلافات از طریق نهاد های مردمی و ظرفیت عدالت ترمیمی، که حل فصل اختلافات بدون پرداخت هزینه های دادرسی و یا به مراتب کمتر از محاکم انجام می پذیرد قوت گرفت. و از این طریق امکان احقاق حق برای افراد جامعه که فاقد توان مالی برای اقامه دعوی و احقاق می باشند ایجاد شود. آنچه که مبین است حق دادخواهی و احیای حقوق افراد جامعه از مصادیق عدالت اجتماعی و از وظایف نظام حاکم در هر جامعه بشری می باشد. دولت ها، ضمن تفکیک قوا بصورت نسبی استقلال مضاعفی به دستگاه قضایی اعطا نمودند، تا از طریق ایجاد و تاسیس نهاد های حاکمیتی دادگستر اجرای عدالت و احیای حقوق عامه و خاصه را تامین نمایند. اما در دو صده اخیر مهاجرت، گسترش شهر نشینی، تغییر الگو های رفتار اجتماعی افراد جامعه و گستردگی و پیچیدگی روابط اقتصادی و بازرگانی موجب بروز تعارض و تضاد منافع اشخاص حقیقی و حقوقی و در نتیجه افزایش اختلافات مالی موجب وقوع جرایم علیه اشخاص و اموال در جوامع شده است. تشکیل عدلیه و گسترش محاکم در رسیدگی به دادخواهی افراد از طریق دادرسی های سنتی و سزادهی مجرمین و الزام و اجبار غاصبین و متعارضین به اموال اشخاص به جبران خسارات و ایفای تعهد، دولت ها را مجبور به صرف هزینه های گزاف از منابع و بودجه عمومی نموده است. در بعضی از نظام های حاکمیتی به ویژه در نظام های دولتی دادرسی را از موضوعات خدمات عمومی تلقی می نمایند و هزینه های آن از محل اخذ مالیات و منابع عمومی تامین می گردد. اما در اغلب کشورها که در آن سیستم اقتصادی باز و خصوصی حاکم است. پرداخت هزینه های دادرسی به عهده اشخاص حقیقی و حقوقی می باشد. افزایش هزینه های دادرسی در سال های اخیر را می توان یکی از آسیب ها و ایرادات وارد منتقدین در تسهیل دسترسی آسان به مراجع قضایی به جهت احقاق حقوق اشخاص و اجرای عدالت در جامعه دانست. از طرفی القای این تفکر مخرب در جامعه که هر شخص از لحاظ مالی متمول باشد و

توانایی پرداخت مخارج دادرسی و به خدمت گرفتن مشاورین حقوقی و وکیل دادگستری را داشته باشد می تواند از حق خود دفاع نموده و خواسته خود را مطالبه نماید با اهداف دولتها در برقراری عدالت اجتماعی در جامعه منافات داشت.

عدالت ترمیمی به عنوان یک الگوی جدید در دادرسی و حل فصل اختلافات با رویکرد ترمیم آلام و جبران خسارات بزه دیده، و بازگرداندن بزهکار به جامعه از طریق نهادهای اجتماعی و غیرحاکمیتی و از قبیل جامعه محل ها بدون نیاز به مراجعه اشخاص به محاکم و تشکیل نهادهای سازشی خارج از دادگاه نقش عمده ای در کاهش هزینه های دادرسی و هزینه کرد آن از محل منابع عمومی و یا درآمد افراد را دارد. این مقاله با رویکرد تطبیقی ضمن تبیین مقوله هزینه دادرسی در نظام های حقوقی حاکم در جهان و ایران، به اثرگذاری این موضوع بر اجرای فرایند عدالت ترمیمی و ایجاد نهاد های جایگزین تصالحی مانند شورای حل اختلاف می پردازد. بهبود در این موضوع در کاهش مخارج عمومی دولتها در تامین بودجه دادگستری و کاهش پرداخت هزینه های دادرسی توسط اشخاص حقیقی در جامعه و بار مالی ناشی از آن را کاهش می دهد. حل و فصل ریشه ای اختلافات افراد جامعه از این طریق، موجب کاهش تبعیض و ناعدالتی و احقاق حق دادخواهان از طریق کاهش هزینه دادرسی می شود.

۲- گفتار اول: هزینه دادرسی

۲-۱- مفهوم هزینه دادرسی

هزینه دادرسی دارای دو معنای عام و خاص است. معنای عام دربرگیرنده زمان، فکر و پول مصروفی در دادرسی است که همگی آنها بنیان ارزش و قیمت دعوا را بنا می نهند. معنای خاص هزینه دادرسی نیز مشتمل بر هزینه های مادی اعم از مستقیم و غیر مستقیم و هزینه های معنوی است. البته می توان هزینه دادرسی به معنای اخص را صرفاً "مشمول هزینه های مادی دانست که اصولاً دریافت نخستین (بدوی (از این اصطلاح، بین دکتربین حقوقی و عوام، در بر دارنده معنای اخیر است. هزینه دادرسی مهم ترین بخش تشکیل دهنده خسارت دادرسی است چرا که در دادرسی های مدنی، پرداخت هزینه دادرسی گریز ناپذیر است، اما هزینه های دیگرمانند حق الوکاله وکیل و دستمزد کارشناس و... همیشه و در تمام دعاوی وجود ندارد چه غالباً چنین است.

۲-۲- تعریف هزینه دادرسی

قانون آیین دادرسی مدنی هزینه دادرسی را تعریف نکرده و تنها در ماده 502 آیین دادرسی مدنی اخیر به تعیین موارد آن 1- هزینه برگ هایی که به دادگاه تقدیم می شود 2- هزینه قرار ها و احکام اکتفا کرده است. می توان گفت: هزینه ای است خواهان برای اقامه، ورود به دعوی و رسیدگی باید به دولت بپردازد.

۲-۳- انواع هزینه دادرسی

همانطور که قبلاً اشاره شد، هزینه های طرح دعوی تا خاتمه و اجرای آن هم موقعیت مالی طرفین دادرسی را تحت تاثیر قرار می دهد و هم هزینه هایی را بر جامعه تحمیل می نماید در ذیل به هریک از هزینه های پیش گفته پرداخته می شود.

۲-۴- هزینه های فردی دادرسی

هزینه های فردی دادرسی را باید به طور زنجیره ای، چه از جانب دادخواه و چه از جانب دادخوانده نگریست، در هر حال هزینه فردی به هزینه مادی و معنوی تفکیک می شود که هزینه مادی نیز به هزینه های مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می گردد.

مراد از هزینه مادی مستقیم اشاره به هزینه های قضایی از قبیل هزینه های ابطال تمبر، هزینه بهره گیری از خدمات وکیل و مشاور حقوقی، هزینه کارشناسی، هزینه های ناشی از تودیع خسارات احتمالی، هزینه های مراحل قانونی دادرسی تا قطعیت آن و غیره و همچنین هزینه های اجرای آرا می باشد در قانون آیین دادرسی مدنی ایران مصوب 1379 هزینه های فوق الذکر را می توان از منطوق مواد 53، 54، 108، 319، 519، و نیز از توجه به ماده 3 قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب 1373 با اصلاحات بعدی و آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری 1385 استنباط نمود.

هزینه های مادی غیر مستقیم مشعر بر خسارات ناشی از محرومیت به دسترسی به خواسته، محسنی 1389، ص 285 که در حقوق ایران به طور محدود، بی توجه به خسارات ممکن الحصول و نفویت منافع، مورد پذیرش قرار گرفته است. از جمله مصادیق خسارات مادی غیر مستقیم را می توان خسارات تاخیر تادیه، خسارات قراردادی، از دست دادن فرصت ها و... نام برد. راهکارهای جبران خسارت این قبیل خسارات نیز در مواد 519، 521 و 522 از قانون آیین دادرسی مدنی و ماده 1 از قانون مسئولیت مدنی مصوب 1339 پیش بینی شده است. مواد 519 و 521 آیین دادرسی جدید صرفاً هزینه هایی که ارتباط مستقیم با جریان دادرسی داشته و برای اثبات دعوا و یا دفاع ضرورت داشته را قابل مطالبه می داند فی المثل پرداخت مبلغی مازاد به وکیل که قانوناً ضروری محسوب نمی گردد از محکوم علیه قابل مطالبه نیست. اگرچه بیشتر جبران این نوع خساراتها اسمی هستند تا واقعی. حال آنکه در تحلیل اقتصادی آیین دادرسی مدنی، هدف اجتماعی عمومی دادرسی، کنترل هزینه دعوا، رفع واقعی اختلاف از طریق هدایت صحیح رفتار ترافعی متداعیین و ایجاد آرامش در روابط اصحاب دعوا جهت جلوگیری از طرح دعاوی طاری-ایذایی و دعاوی مکمل) پیرو (در آینده می باشد. مقصود از هزینه های دادرسی معنوی نیز علاوه بر بحث اطاله و زمان دادرسی که می تواند وقت و ذهن اصحاب دعوا را متوجه خود نماید می توان به عنصر رضایت اصحاب دعوا نیز اشاره نمود و بطور مشخص معطوف به مشروعیت دادرسی است. چه اینکه صدور آراء غیر صحیح آیین دادرسی نامناسب مثل عقب ماندگی یا تورم قانونی نظام اداری پیچیده و سخت فقدان فضای امنیت و احساس امنیت قضایی و غیره آرامش دادرسی را از بین برده و باعث عدم اعتماد و اطمینان به دستگاه قضایی میگردد.

۲-۵- هزینه های اجتماعی دادرسی

نقطه قابل توجه در هزینه های اجتماعی دادرسی، راجع به هزینه های اداری و هزینه اشتباهات است) دادگر 1388، ص 544، هزینه های اداری در دو حالت هزینه های فضای فیزیکی و کالبدی دستگاه قضایی و هزینه های تامین کادر اداری و کادر قضایی می باشد. عدم مدیریت صحیح داده های دستگاه قضایی، تولید هزینه های کلان

را به همراه خواهد داشت. در خصوص هزینه های ناشی از اشتباهات نیز می توان به اشتباه کادر اداری و قضایی دستگاه قضایی در ابلاغ اوراق، صدور آرای و سایر موارد اشاره داشت.

باید اذعان داشت که اندازه گیری هزینه اجتماعی دادرسی از تعسر برخوردار بوده و در محدوده تلقی و تخمین طرفین دعوی و دادرس به عنوان بازیگران اصلی دادرسی قرار نمی گیرد. لکن عدم لحاظ هزینه های اجتماعی به منزله نبود این هزینه ها نیست. در حقوق موضوعه ایران اولاً: نظام قضایی از سوسپید یا یارانه قضایی در دعوی و پرونده های مطروحه بهره می برد ثانیاً "صرفاً در برخی از موارد، اشتباهات ناشی از تصمیم گیری قضایی باعث بروز مسولیت مدنی به موجب اصل 171 قانون اساسی می شود.

طبیعی است که در صورت کنترل و جهت دهی هزینه ها مثل درونی کردن هزینه ها و یا انتقال هزینه ها می توان ضمن از بین بردن تعارض سطح مطلوبیت خصوصی و اجتماعی هزینه ها به کارایی دادرسی و آرای متعاقب بر آنها دست یافت.

۳- گفتار دوم: هزینه دادرسی در نظام های حقوقی

۳-۱- هزینه دادرسی در سیستم حقوقی کامن لا

در سیستم کامن لا اساساً دو نوع روش پرداخت هزینه دادرسی وجود دارد. الف: سیستم انگلیسی: که در آن پرداخت هزینه دادرسی بر عهده بازنده دعوا می باشد. ب: سیستم آمریکایی: در سیستم آیین دادرسی ایلات متحده آمریکا، همانطور که در دیگر جاهای متمدن دنیا رایج است بر عهده طرفین دعوی است.

تیدرسجویک یکی از نخستین متخصصین در حیطه خسارت دادرسی معتقد است: این فطرت عدالت است که فرد محکوم اقدام به پرداخت هزینه های قضایی برای طرف پیروز دعوی کند. هرچند هزینه های مربوط به وکیل مشمول این حالت نمی شود، این هزینه ها به عهده طرفی است که برای وکیل هزینه آفرینی کرده است طبق گفته های البرت ایرونزیاگ، قاضی اتریشی که ابتدا به امور مهاجرت و سپس استاد برجسته حقوق شد، رویه هزینه دعوی در آمریکا سرطانی کثیفی است که در بدنه قانونمان واقع شده است.

البته دلایل محکم و عقلانی وجود دارد و ما را تا حدودی قانع می کند قانونی که به موجب آن بازنده دعوی مجاب به پرداخت هزینه دادرسی به نفع طرف پیروز می گردد روند مصالحه را آسانتر و روند مرافعه را رو به کاهش می نهد با این وجود باید منتظر دلایل قابل اتکا تری باشیم شاید در این رابطه یک بررسی ابتدایی و مقایسه رویه ها در دیگر کشورها راه را کمی روشن تر کند.

در سیستم حقوقی انگلستان این بازنده دعوی است که باید هزینه دادرسی با این تفاوت که در نظام های کامن لا (انگلیسی (و همچنین در برخی از نظام های سیویل لا دادگاه این امکان را دارد که تحمیل هزینه بر محکوم علیه را تعدیل کند) قاعده 5-32

طبق قاعده آمریکایی موجود در ایالات متحده آمریکا بدوا هر یک از اصحاب دعوا هزینه و مخارج از جمله حق الوکاله خود را بر عهده می گیرند مگر اینکه قوانین و یا قرار دادها بطور صحیح خلاف آنرا تعیین کنند یا بطور استثنایی از جرایان دادرسی سوء استفاده شود. قاعده آمریکایی پیش گفته برای هریک از طرفین دعوا

این انگیزه را ایجاد می کند که اقدام به طرح دعوا در دفاع از دعوایی که مطابق قاعده کلی مسلم و قطعی نیست پافشاری میکند. این در حالی است که در سیستم دادرسی اروپایی و رویه انگلیسی قواعد و رویه ها بیانگر تحمل هزینه دادرسی توسط بازنده دعوی است.

در سیستم آمریکایی با توجه به اینکه هر طرف مسئول پرداخت هزینه های قانونی خود هستند خواهان معمولاً در صورتی اقامه دعوا خواهد کرد، که که میزان خواسته وی در دادرسی مورد انتظارش حداقل بزرگتر یا مساوی از هزینه های قانونی دعوا مورد درخواست وی باشد. مقاله تحلیل اقتصادی فرایند دادرسی مدنی براساس هزینه ها پورااستاد -حصاری ص (1388 - 3

در سیستم کامن لا امریکایی که مطابق آن هریک از طرفین دعوی هزینه های خود را می پردازند دارای معایب و محاسنی می باشد. از مهمترین محاسن این روش می توان به پایین آمدن میزان ورودی پرونده ها و دادخواست تقدیمی به نظام دادرسی و طرح دعاوی واهی و احتمالی و ایذایی در این سیستم و متعاقباً کاهش اطاله دادرسی و به تبع بالا رفتن کیفیت دادرسی می باشد ها و کثرت آن را کاهش می دهد.

اما سیستم مذکور معایبی را نیز دارد که: از مهمترین معایب آن ازین رفتن حق اقامه دعوا برای کسانی است که قدرت پرداخت هزینه دادرسی را نداشته و یا قوه ریسک پذیری آنها در احتمال پیرویشان کمتر است زیرا تنها کسانی مبادرت به طرح دعوا می نمایند که اولاً هزینه مربوطه را پرداخت نمایند ثانیاً ریسک بازنده شدن دعوی را نیز بپذیرند در این سیستم حتی المقدور سعی می گردد از اقامه دعوی بزرگتر احتراز گردد چون خطر ریسک پذیری و خطر گریزی نیز در این سیستم تاثیر دارد بی جهت نیست طبق گفته های البرت ایرونزیگ ، قاضی اثریشی که ابتدا به امور مهاجرت و سپس استاد برجسته حقوق شد ، رویه هزینه دعوی در آمریکا سرطمان کشیفی است که در بدنه قانونمان واقع شده است.

۳-۲- هزینه دادرسی در سیستم حقوق ژرمنی سیویل لا

قاعده الزام محکوم علیه به پرداخت هزینه دادرسی ، تکلیفی است که از زمانهای قدیم معمول و متداول بوده و از حقوق روم به فرانسه سرایت کرده و در قانون پادشاهی 1667 و پس از آن در قانون آیین دادرسی 1806 فرانسه منعکس شده است . ماده 13 قانون آیین دادرسی حقوقی 1973 فرانسه مقرر میدارد: هرکس در دعوایی محکوم شود باید هزینه دادرسی را بپردازد (4 محسنی -1389 - ص 285

ولی درحال حاضر یکی از اصول اساسی دادگستری فرانسه اصل رایگان بودن دادگستری است ، و دادگستری و دادخواهی مانند خدمات عمومی است و هزینه ای ندارد ، مگر هزینه مشارکت در خدمات معاضدت قضایی و هزینه های قانونی اثبات دعوا و غیره که دومی از محکوم علیه قابل وصول است ، بطور کلی با تدوین کد جدید آیین دادرسی فرانسه در 5 مارس 1975 و اجرای آن از سال 1977 میلادی در مبحث سوم در بخش مقررات مربوط به مشارکت در معاضدت قضایی در ماده (62 اصلاحی به موجب تصویب نامه شماره 2011 -1202 مورخ 28 دسامبر 2011 ماده (2 در راستای مشارکت در هزینه های معاضدت قضایی موضوع ماده 1635 مکرر Q کد عمومی مالیات ، از تمام درخواست های ابتدایی مبالغ مذکور در این ماده دریافت می شود در غیر اینصورت در خواست ها قابل

پذیرش نیستند. البته در بعضی از موضوعات اخذ این هزینه الزامی نیست از جمله تصمیمات راجع به عدم صلاحیت، در خصوص تغییر درخواست، اصلاح یا اعتراض به دستور تحقیق و شکایت از قرار ردی که به دلیل انقضای مهلت شکایت صادر گردیده، درخواست های مربوط به تفسیر، اصلاح یا تکمیل تصمیم پیشین و اعتراض به قرار های رد مدیر دفتر نزد مرجع قضایی.

به موجب قانون مورخ 29 ژوئیه 2011 پیرامون امور مالی اصلاحی 2011 و تصویب نامه مورخ 28 سپتامبر 2011 مالیات 35 یورویی جدیدی برای تمامی انواع دادخواهی از دادگستری در امور مدنی، بازرگانی، کارگر و کارفرمایی، اجتماعی، روستایی یا اداری پیش بینی شده است تا بخشی از هزینه های معاضدت قضایی حق الوکاله و کلایی که در مرحله تحقیقات مقدماتی و تحت نظارت بودن متهم دخالت و معاضدت میکنند، تامین شود و تنها اشخاصی که از معافیت قضایی استفاده میکنند از پرداخت این هزینه ها معاف هستند.

در آیین دادرسی مدنی جدید فرانسه در باب هجدهم) هزینه ها و خسارت (در فصل یک) مسوولیت هزینه ها (در ماده 695 هزینه های رسیدگی در اسناد و آیین نامه اجرایی عبارتند از 1- حقوق و عوارض، مالیات، مواجب مقرر شده دفاتر مراجع قضایی یا اداره مالیات به استثنای حقوق، عوارض و جریمه های احتمالی ناشی از اسناد و عناوین مستند ادعاهای طرفین 2- هزینه ترجمه اسناد هنگامی که ترجمه قانونا یا به موجب تعهدی بین المللی لازم است 3- جبران هزینه های شهود 4- حق الزحمه کاردان 5- باز پرداخت تعرفه ها 6- مواجب کارمندان عمومی و وزارت 7- حق الوکاله و کلا تا حدی که در مقررات تعیین شده که شامل حقوق و دفاعیات شفاهی می شود 8- هزینه های ناشی از ابلاغ یک سند در خارج 9- هزینه های ترجمه همزمان و ترجمه که به موجب ترتیبات تحقیقی انجام شده در خارج به درخواست مرجع قضایی در چارچوب آیین نامه (جامعه اروپا 1206-2001 (شورا مورخ 28 مه 2001 مربوط به تعاون میان مراجع قضایی کشور های عضو اتحادیه اروپا در قلمرو تحصیل دلیل در امور مدنی و بازرگانی لازم تشخیص داده شده اند 10 قرار باز جویی های اجتماعی که وفق ماده 1072 و 1071 و 1221 صادر می شود 11- حق الزحمه اشخاصی که قاضی برای استماع صغیر منصوب میکند وفق ماده 1-388 کد مدنی > به موجب ماده 696 اصلاحی به موجب نامه شماره 2011-272 مورخ 15 مارس 2011 ماده (23 طرف بازنده به پرداخت هزینه ها محکوم می شود مگر این که قاضی وفق تصمیمی مستدل، تمام یا بخشی از مسوولیت را برعهده طرف دیگر نهاده باشد.

شرایطی که او می تواند مسوولیت تمام یا بخشی از هزینه های رسیدگی را برعهده طرف ذینفع معاضدت قضایی قرار دهد در مقررات قانون شماره 1266-91 مورخ 19 دسامبر 1991 پیش بینی شده است به موجب ماده 699 اصلاحی به موجب تصویب نامه 2012-634 مورخ 3 مه 2012 ماده (21 و کلای مدافع می توانند در اموری که نمایندگی در آن الزامی است چنین تقاضا نمایند که در مورد آن قسم هزینه های که ایشان بدون دریافت وجهی پیش پرداخت کرده اند،

به نفع ایشان محکومیت به پرداخت هزینه های دادرسی همراه با حق وصول مستقیم نزد محکوم علیه قرار گیرد. با وجود این طرفی که علیه وی چنین پرداختی ادعا می شود می تواند به استناد به تهاوت قانونی طالب خود میزان هزینه ها را کاهش دهد.

۳-۳- هزینه دادرسی در آیین دادرسی مدنی فراملی

بطور کلی، محکوم علیه حق دارد تمام یا بخش اساسی از خسارات متعارف دادرسی را دریافت کند (6). اصل 25 آیین دادرسی فراملی، دکتر پوراستاد مجید (خسارات دادرسی عبارتست از هزینه دادرسی، هزینه های پرداختی به مأموران رسمی نظیر تند نویسان دادگاه، حق الزحمه کارشناسی و حق الوکاله وکیل. دادگاه می تواند در موارد استثنایی که جهات موجه و روشن وجود دارد، از صدور حکم به نفع محکوم له راجع به خسارات دادرسی، خودداری یا میزان آن را محدود کند. دادگاه می تواند در حکم خود، این خسارات را به میزانی محدود کند که فقط مخارج مربوط به امور واقعاً مورد اختلاف را در برگیرد؛ همچنین اگر محکوم له در حین دادرسی مسائل غیرضروری را مطرح کرده باشد یا رفتار وی به گونه ای نامتعارف ستیزه جویانه بوده است، دادگاه می تواند او را محکوم به پرداخت خسارت کند. دادگاه می تواند در هنگام تصمیم گیری در خصوص هزینه ها، سوء رفتار هریک از طرفین در انجام امور دادرسی را مورد توجه قرار دهد

ب- قاعده ۳۲

حکم به پرداخت حق الوکاله وکیل، قاعده اغلب در اکثر نظام های حقوقی است به استثناء برخی از کشورها مانند چین، ژاپن و آمریکا. در برخی نظام های حقوقی، میزان خسارت دادرسی به نفع محکوم له را مأمور باتجربه ای تعیین می کند و اغلب کمتر از میزان تعهدی است که محکوم له مکلف است به وکیل خود پرداخت کند. در برخی نظام ها، میزان هزینه ها و خسارات مورد حکم به نفع محکوم له، مشمول آیین نامه تعرفه حق الوکاله است. قاعده تحمیل بار حق الوکاله در برخی از انواع دعاوی مناقشه آمیز اما بطور کلی در دعاوی بازرگانی مناسب است و به صورت شرط ضمن عقد به طور نمونه در قراردادهای بازرگانی تصریح می شود. بنا به قسمت دوم اصل 25، دادگاه می تواند بطور استثنایی از صدور حکم به پرداخت هزینه ها به نفع محکوم له خودداری کند یا فقط بخشی از هزینه ها را مورد حکم قرار دهد یا می تواند هزینه ها را به کمتر یا بیشتر از میزان واقعی آن ارزیابی کند. این ویژگی استثنایی دادرسی را مکلف میکند که تصمیم خود را مستدل کند.

۳-۴- هزینه دادرسی در ایران

در ایران تا قبل از مشروطیت مراجع عرفی در این خصوص اساس ثابتی نداشت که بتوان قابل استناد باشد ولی پس از انقلاب مشروطیت و تشکیل دادگاههای رسمی و با تصویب قانون اصول محاکمات حقوقی در 1329 هجری قمری حق الصاق تمبر بر اوراق قضایی برقرار گردید و راجع به به توجه هزینه دادرسی چنین مقرر داشت: هرگاه طرفین یا یکی از آنان در ضمن عقد لازم ملتزم شده باشند که در صورت محکوم علیه شدن مخارج عدلیه و خسارت محکوم له را تادیه نماید دادگاه محکوم علیه را به تادیه حقوق مزبور الزام می نماید و در صورتی که چنین اترامی در بین نباشد، مخارج عدلیه را درخواست کننده اعم از خواهان و خوانده هر اقدام قضایی تادیه می نماید، ولی محکوم له حق دارد تادیه مخارج عدلیه و خساراتی که بر او وارد شده است پس از صدور حکم قطعی از محکوم علیه بخواهد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت و تعیین مقدار آن حکم آن را می دهد (1 مواد 806 و 807 قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی (1329 و پس از آن با تصویب اولین قانون آیین دادرسی در سال 1318

مقنن در مواد 711 به بعد آنرا تایید کرده است. در نهایت پس از تصویب قانون آیین دادرسی مدنی در سال 1377 قانون گذار در ماده 502 که جایگزین ماده 681 سابق گردیده در باب هشتم فصل اول آن به بیان واحصاء مصادیق هزینه دادرسی پرداخته است، ضمن اینکه در ماده 503 از همین قانون هزینه های دادخواست کتبی یا شفاهی اعم دادخواست بدوی و اعتراض به حکم غیابی و دعاوی طاری و دادخواست تجدید نظر و فرجام و اعاده دادرسی و هزینه های وکالت نامه و برگ های اجرایی اشاره شده که نهایتاً ماده 3 نحوه وصول برخی از درامد های دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب 1373/28|12/28 جانشین مواد اخیر الذکر شده است. بعد از پیروزی انقلاب قوانین حقوقی بیشتر تحت تاثیر فقه امامیه قرار گرفته شد. لذا هزینه مراجعه به عدلیه برای تظلم خواهی رایگان اعلام شد و قاضی حق نداشت از بابت قضاوت هزینه ای از طرفین اخذ نماید و حتی اخذ هر گونه وجه از طرف قاضی مصداق جرم رشوه داشته و در صورت وقوع و اثبات آن برای راشی و مرتشی مجازات تعیین شده است. اما پس از ایجاد و تشکیل دادگستری نوین، و الزامات قانونی در خصوص در پرداخت هزینه های دادرسی در بدو اقامه دعوی از ناحیه خواهان، مقنن ضمن رعایت این ملاحظات فقهی، برای جلوگیری از بین رفتن حق تظلم خواهی افراد جامعه و احقاق حق، در بدو امر در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری در خصوص افراد معسر از پرداخت هزینه دادرسی راهکار های قانونی از جمله امکان درخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی پیش بینی کرده است.

اما در طول زمان مشخص شد که صرف امکان تقدیم درخواست اعسار از ناحیه افراد بی بضاعت و معسر نمی تواند راهگشایی مفید برای تحقق اصل امکان دسترسی آزاد افراد به نظام دادرسی در جهت احقاق حق باشد. لذا لزوم ایجاد نهادهای شبه قضایی با رویکرد حل فصل مخاصمات از طریق سازش بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی و اخذ هزینه دادرسی همانند شورای حل اختلاف ضروری و اجتناب ناپذیر بود.

در حقوق ایران در خصوص هزینه دادرسی می توان گفت قانون گذار تلفیقی از دو نظام حقوقی کامن لا و سیویل لا و فقه امامیه را مد نظر قرار داده است بدین نحو که در دعاوی کیفری با تاسی از فقه امامیه با توجه به اینکه حکومت به نوعی خود ذی نفع در دعوی بوده و هدف از دادرسی در مرحله برگرداندن نظم از دست رفته است لذا این دولت است که تمام هزینه ها را پرداخت می نماید و صرفاً مبلغی را به عنوان ورودی از شاکی دریافت می نماید اما در دعاوی حقوقی موضوع متفاوت است و صراحتاً مقنن اقدام به تاسیس مواد قانونی نموده و در ماده 502 آیین دادرسی مدنی به تبیین هزینه دادرسی پرداخته و آنرا شامل هزینه برگ هایی که به دادگاه تقدیم می شود و هزینه هایی قرار ها و احکام دادگاه بر شمرده است و متعاقباً در ماده 503 آیین دادرسی مدنی هزینه دادرسی را احصاء نموده و میزان هزینه دادرسی دریافتی را به ماده 3 قانون وصول برخی از درآمد های دولت مصوب 1373 ارجاع داده است.

۳-۵- نکته افتراق و اشتراک

۳-۵-۱- افتراق

با دقت در مواد قانون آیین دادرسی مشخص می‌گردد که در نظام حقوقی ایران بطور مطلق مجانی بودن دادرسی که از اصول نظام قضایی اسلام و فقه امامیه است مورد پذیرش قرار نگرفته است بلکه تاثیر این دیدگاه حداقل در بحث قبول اعسار از پرداخت هزینه دادرسی در ماده 504 الی 514 قانون آدم مشهود است اما بطورنسبی نظام حقوقی ایران در خصوص بحث هزینه دادرسی از سیستم حقوقی ژرمنی اروپایی الهام گرفته است که مطابق آن پرداخت هزینه دادرسی بدو به عهده هریک از اصحاب دعوا می‌باشد و در نهایت بر عهده بازنده دعوا است و تنها نکته افتراق آن در زمان تقدیم درخواست هزینه دادرسی است که در ایران می‌بایست همزمان با تقدیم دادخواست اصلی در خواست مطالبه هزینه دادرسی نیز تقدیم دادگاه گردد اما در سیستم سیویل لا این درخواست توسط خواهان پس از محکومیت خوانده تقدیم می‌گردد و دادگاه باید به نفع محکوم له تمام یا بخش اساسی از هزینه های متعارف وی را مورد حکم قرار دهد محکوم له باید درخواست خسارت دادرسی را فوراً پس از صدور حکم به دادگاه ارایه دهد^۶ پور استاد 1392 ص. (198)

نکته افتراق دیگر بین نظام اروپایی (سیویل لا) و نظام حقوقی ایران آزادی عمل قاضی و دادگاه در موارد اختلاف در پرداخت هزینه دادرسی و خسارت دادرسی می‌باشد تا آنجا که دادگاه می‌تواند زمانی که علت موجه و روشنی را احراز نماید مانند اینکه اگر محکوم له در حین دادرسی مواضع غیر ضروری را مطرح کرده باشد یا موضع های را طرح کرده باشد که از جهات دیگر بطور غیر متعارف مورد اختلاف بوده است که در این صورت دادگاه می‌تواند خواهان را نیز به پرداخت خسارات دادرسی محکوم نماید همچنین دادگاه می‌تواند در تصمیم خود راجع به خسارات دادرسی سوء رفتار هریک از طرفین را مورد توجه قرار دهد و یا مخارج واقعی و متعارف را از مخارج واهی و غیر واقعی تمییز دهد) پور استاد 1392 ص (198)

در حقوق ایران و نظام قضایی آن دادگاه و قضات چنین اختیار عملی برخوردار نمی‌باشند و در صورت درخواست خواهان و یا درخواست تامین خسارت دادرسی از ناحیه خوانده مطابق ماده 124 قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌توانند راساً حکم به پرداخت هزینه دادرسی به نفع خواهان و اخذ تامین از وی بدون درخواست خوانده نمایند و حتی در خصوص هزینه های فرعی دعوامانند هزینه کارشناسی و حق الوکاله وکیل محکومیت بازنده (خوانده) دعوا در رای صادره منوط به درخواست خواهان در ردیف خواسته دادخواست خواهان است و این نیز برخلاف قواعد آمریکایی موجود در نظام دادرسی کامن لا که مطابق آن هریک از اصحاب دعوا هزینه ها و مخارج از جمله حق الوکاله خود را به عهده دارند می‌باشد مگر اینکه قواعد و قرار دادها بطور صریح خلاف آن را مقرر کنند یا بطور استثنایی از جریان دادرسی سوء استفاده گردد. قاعده آمریکایی پیش گفته، برای هریک از طرفین ایجاد انگیزه می‌کند که اقدام به طرح دعوا یا در دفاع از دعوایی که مطابق قاعده کلی مسلم نیست پافشاری کند با وجود این قواعد راجع به خسارت دادرسی در نظام های اروپایی از جمله سیویل لا این امکان را داده که تحمیل هزینه ها به محکوم علیه را تعدیل کند قاعده (32-5 آیین دادرسی فراملی ص 198 پور استامجید)

بطور کلی به نظر می رسد نظام حقوقی ایران علیرغم اینکه مطابق اصول و قواعد فقه امامیه و اصل 34 قانون اساسی دادرسی در نظام اسلامی را بصورت مطلق مجانی می داند و دولت را مکلف دانسته درازای دریافت مالیات و تسهیلات لازم، احقاق حق فراهم کند و از طرفی وضع اخذ هزینه برای دادرسی را مانع از تظلم و دادخواهی افراد بی بضاعت می داند، ولی در عمل و با رویکرد واقع گرایانه بطور نسبی اخذ هزینه دادرسی از اصحاب دعوا را پذیرفته و باز خود آن در رهیافت تقنینی به معنای مدیریت داده های قانونی در جهت تصویب قوانین با کیفیت موثر و استاندارد پیش بینی نموده است که نمود عینی آن در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب 1377 و مواد قانونی 502 الی 514 متبلور می باشد که با دقت در ظاهر و مفهوم آن مواد رد پای قاعده اروپایی انگلیسی تحمل هزینه دادرسی توسط بازنده به چشم می خورد.

۳-۵-۲- اشتراک

در نظام حقوقی ایران درست است که مطابق سیستم اروپایی بدوا خواهان هزینه دادرسی را می پردازد ولی در ادامه این بازنده دعوا است که مطابق رای دادگاه باید از عهده هزینه دادرسی پرداختی توسط خواهان بر آید این همان سیستم تلفیقی است که امروزه در تمام کشور های جهان رایج است و هیچ کشوری معافیت مطلق از هزینه دادرسی را نپذیرفته است، ضمن اینکه در سیستم حقوقی ایران که متأثر از فقه اسلام و الی الخصوص امامیه است، تاسیس فقهی بنام اعسار نیز لحاظ گردیده است که موجب احقاق حق و رعایت حق مسلم افراد جامع برای دادرسی و مانع تظلم و دادخواهی افراد بی بضاعت می شود.

بطور کلی در نظام حقوقی ایران بعد از پیروزی انقلاب قوانین حقوقی بیشتر تحت تاثیر فقه امامیه قرار گرفته شد. لذا هزینه مراجعه به عدلیه برای تظلم خواهی رایگان اعلام شد و قاضی حق نداشت از بابت قضاوت هزینه ای از طرفین اخذ نماید و حتی اخذ هر گونه وجه از طرف قاضی مصداق جرم رشوه داشته و در صورت وقوع و اثبات آن برای راشی و مرتشی مجازات تعیین شده است. اما پس از ایجاد و تشکیل دادگستری نوین، و الزامات قانونی در پرداخت هزینه های دادرسی در بدو اقامه دعوی از ناحیه خواهان، مقنن ضمن رعایت این ملاحظات فقهی، برای جلوگیری از بین رفتن حق تظلم خواهی افراد جامعه و احقاق حق، در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری در خصوص افراد معسر امکان درخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی پیش بینی کرده است اما در طول زمان مشخص شد که صرف امکان درخواست اعسار از ناحیه افراد بی بضاعت و معسر نمی تواند راهگشایی مفید برای تحقق اصل امکان دسترسی آزاد افراد به نظام دادرسی در جهت احقاق حق باشد. لذا لزوم ایجاد نهادهای شبه قضایی با رویکرد حل فصل مخاصمات از طریق سازش بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی و اخذ هزینه دادرسی همانند شورای حل اختلاف ضروری و اجتناب ناپذیر بود.

۴- گفتار سوم: عدالت ترمیمی و تاثیر نهاد های جایگزین دادگاه در کاهش هزینه دادرسی

۴-۱- عدالت ترمیمی

۴-۱-۱- تعریف عدالت ترمیمی

قبل از ارائه تعاریفی پیرامون این اصطلاح، باید دانست که عدالت ترمیمی به اندازه ای گسترده است و جا برای چانه زنی دارد که تاکنون نتوانسته است یک تعریف جامع، فراگیرانه نمایند بلکه هرکس از ظن خویش تعاریفی را به صورت کلی بیان داشته است. در یکی از تعاریف عدالت ترمیمی چنین آمده که عدالت ترمیمی یعنی، بازسازی بزه دیدگان را به ارمغان آوردن که در واقع یک نظام عدالت جنایی بزه دیده مدار محسوب می شود (بریت ویت، 1385، 543).

نگارنده در تعریف عدالت ترمیمی معتقد است که مجموعه اقداماتی است در غالب فرایندی خاص یا نتیجه گرا که برای صلح و سازش میان اصحاب یک دعوا (بزه دیده، بزهکار و جامعه محلی (در خارج از سیطره و چارچوب عدالت کیفری استفاده می شود. در این تعریف آنجا که به نتیجه گرایی بسنده می شود، تنها صلح و سازش میان اصحاب دعوا منظور نظر است که می توان از راه های متنوع و غیر فرایندی بهره برد. مثلاً ممکن است از دیدگاه بزه دیده نگری کمی دور شویم تا بتوان برای برقراری صلح و سازش، بیشتر و بهتر به بزهکار نزدیک شد. البته که در این سازش هم شرط است که از حقوق بزه دیده حمایت شود ولی ممکن است برای سازش در بعضی نقاط و مواضع، خواسته بزه دیده تعدیل شود تا بتوان قدرت چانه زنی برای صلح و ترمیم دعوا را بیشتر کرد و از طرفی بزهکار را مجاب نمود تا بهتر بتواند حقوق و تکالیف محوله نسبت به بزه دیده را انجام دهد.

۴-۲- اهداف عدالت ترمیمی

با توجه به تعاریفی که از عدالت ترمیمی ارائه گردید و دانستن این نکته که این سیستم، بزه دیده مدار بوده و به افراد و مناسباتی که بین آنهاست بیشتر توجه دارد و وقوع جرم را بیش از آنکه نقض قانون تلقی نماید، تعرض به حقوق افراد و به ویژه، بزه دیده می داند؛ همچنین از آنجا که بزهکار را به عنوان عضوی از همین افراد جامعه قلمداد کرده که مرتکب جرم گردیده و اکنون باید او را نیز تحت پوشش قرار دهد و همین طور جامعه ای که هم بزهکار و هم بزه دیده را در دل خود جای داده، لذا در می یابیم که مطمئناً اهداف این سیستم عدالتی نیز باید به گونه ای باشد تا پاسخگوی این گستردگی و پراکندگی جهات اطراف یک جرم را دارا باشد و به همین دلیل باید اذعان نمود که اهداف عدالت ترمیمی نیز بسیار متعددند که در ادامه به اهم این اهداف می توان اشاره نمود.

به طور کلی عدالت ترمیمی، چهار هدف عمده جبران، اصالت روابط شخصی، بازپذیری و مشارکت را دنبال می کند. به این معنی که نخست، باید آلام بزه دیده از جرم را در نظر گرفت و با توجه به اینکه فعل مجرمانه نسبت به او حادث شده، در صدد تشفی خاطر او و بعضاً خانواده ی وی برآمد. این مرحله همان اصلی ترین رکن نظام عدالت ترمیمی است که توجه خود را بیشتر معطوف به بزه دیده می نماید از نظر برایت وایت، جبران خسارات و همچنین بازسازی لطمات وارده بر بزه دیده و نیازها و دل نگرانی های او شامل موارد زیر می شود (عباسی

1382، 101)

عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن، چه در خصوص جرم و چه در مورد چگونگی پاسخ به آن است. اینکه عدالت ترمیمی چگونه به عرصه ظهور رسید باید آن را در تحولات بوجود آمده نسبت به عدالت کیفری بارویکرد جرم شناسی و بطور کلی تحول در تفکر ناظر به جرم در چند دهه اخیر جستجو کرد که از موضوع این مقاله خارج است اما آنچه که مبین است این تفکرات در قالب انتقاد به نظام کیفری سنتی از قبیل: پرهزینه و طولانی بودن تشریفات رسیدگی و غافل ماندن از نقش بزه دیده در فرایند اجرای عدالت، رخ نشان داد (نجفی ابرند آبادی، حسین، 1382، ص 10). مطابق نظر بعضی از نویسندگان، عدالت ترمیمی از سال 1990 تاکنون به عنوان نهضتی اجتماعی جهت اصلاح و بازنگری نظام عدالت کیفری در آمده است (23).² رایجیان، 1381.

در کشور ما نیز تاثیرات فرایند عدالت ترمیمی را می توان تا حدودی مشاهده کرد؛ در نظام قضایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این اندیشه عینیت یافت که قضا و قضاوت، خاص مجتهدین واجدالشرايط می باشد و اگر اکنون مشاهده می شود که به فارغ التحصیلان رشته حقوق، فقه حقوق، حوزوی و ... ابلاغ قضایی داده می شود، به لحاظ کمبود مجتهد و یا از باب اضطرار نمی باشد. بلکه اثر این رویکرد نوین در سازمان قضایی مشهود است. از طرفی به لحاظ تراکم بیش از حد دعاوی در دادگستری و ناکامی آن در حل و فصل دعاوی،³ یعنی تقریباً همان نقدی که طرفداران نظام عدالت ترمیمی به سیستم عدالت کیفری سنتی، وارد می دانستند، دست از این آرمان گرایی که تمام دعاوی و اختلافات در دادگستری فصل خصومت گردد کشیده شد. با تصویب ماده 189 قانون برنامه سوم توسعه، مقنن به قوه قضائیه اجازه داد تا با ایجاد تشکیلات شوراهای حل اختلاف و گشودن باب مشارکت های مردمی پاره ای از اختیارات خود در خصوص حل فصل دعاوی و رفع خصومت و حتی اخذ تصمیم را در آن قسمت از موضوعات کم اهمیت که از پیچیدگی حقوقی کمتری برخوردار است به این نهاد واگذار نماید. قوه قضائیه نیز در این راستا با تصویب آیین نامه اجرایی در خصوص ماده 189 قانون برنامه سوم توسعه در سال 1381 ش، مراجع شوراهای حل اختلاف را با هدف رسیدگی به اختلافات جزئی مردم و حل و فصل اموری که یا ماهیت قضایی پیچیده ای ندارند و یا از اهمیت کمتری برخوردارند تاسیس و راه اندازی نمود تا بعضی از اختلافات افراد حقیقی و حقوقی خصوصی را از طریق این نهاد مردمی از طریق صلح سازش فیصله داده و در صورت عدم سازش مطابق صلاحیت اختصاصی خود از طریق دادرسی منصفانه فصل خصومت نماید به نظر می رسد این موضوع از مبانی اندیشه عدالت ترمیمی تاسی و نشأت گرفته باشد. اگرچه هنوز بدلیل نظارت قوه حاکمیتی بر این نهاد بطور کامل شورا را نمی توان مصداق ضلع سوم عدالت ترمیمی قلمداد نمود.

نقش نهاد های خارج از دادگاه در کاهش هزینه های دادرسی

افزایش هزینه های دادرسی در سالهای اخیر را می توان یکی از آسیب ها و ایرادات وارد منتقدین در تسهیل دسترسی آسان به مراجع قضایی به جهت احقاق حقوق اشخاص و اجرای عدالت در جامعه دانست از طرفی القای این تفکر مخرب در جامعه که هر شخص از لحاظ مالی متمول باشد و توانایی پرداخت مخارج دادرسی و به خدمت گرفتن مشاورین حقوقی و وکیل دادگستری را داشته باشد می تواند از حق خود دفاع نموده و خواسته خود را مطالبه نماید با اهداف دولتها در برقراری عدالت اجتماعی در جامعه منافات داشت.

در نظام حقوقی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی قوانین حقوقی بیشتر تحت تاثیر فقه امامیه قرار داشت و هزینه مراجعه به عدلیه برای تظلم خواهی رایگان اعلام شد اما پس از مدتی با احیای و توسعه نظام قضایی و ایجاد تشکیلات دادگستری نوین در جهت امکان دسترسی آسان مردم به دادگستری دولت و نظام قضایی را واداشت تا در راستای توسعه قضایی و ارتقای کمی و کیفی خدمات قضایی بخشی از هزینه های خدمات قضایی را از محل اخذ هزینه دادرسی تامین نماید و از طرفی نیز در راستای حفظ حق تظلم خواهی افراد جامعه و امکان اقامه دعوی و احقاق حق، در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری در خصوص افراد معسر از پرداخت هزینه دادرسی راهکار های قانونی از جمله امکان تقدیم درخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی را پیش بینی کرده است. اما در طول زمان مشخص شد که صرف امکان تقدیم درخواست اعسار از ناحیه افراد بی بضاعت و معسر نمی تواند راهگشایی مفید برای تحقق اصل امکان دسترسی آزاد افراد به نظام دادرسی در جهت احقاق حق باشد و بعضا حتی با قبول درخواست اعسار آنها از طرف مراجع قضایی نوعی اطاله در دادرسی و در نهایت به معطل ماندن حق حقوق آنها می انجامید لذا لزوم ایجاد نهادهای شبه قضایی با رویکرد فصل خصومت و حل اختلاف از طریق سازش بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی و اخذ هزینه دادرسی ضروری و اجتناب ناپذیر است. در این راستا دولت جمهوری اسلامی ایران در ماده 187 برنامه توسعه سوم در راستای مشارکت عمومی مردم در امور قضایی نقش نهادهای خارج از دادگاه و شبه قضایی مانند شورای حل اختلاف را پیش بینی نمود.

شورای حل اختلاف به عنوان یکی از برجسته ترین نهاد مردمی خارج از دادگاه، در ابتدای شروع به فعالیت (سال 1381 در راستای تحقق عدالت قضایی، از بعد اجتماعی با کنترل و جهت دهی هزینه های دادرسی، بدو با حذف هزینه دادرسی در خصوص درخواست های سازشی افراد، و متعاقبا با در نظر گرفتن صرفا هزینه ثبت دادخواست به میزان پنجاه هزار ریال برای تمام امور رسیدگی و دعاوی که در صلاحیت شورا قرار داده شده بود در جهت رفع تعارض بین امکان اقامه دادرسی بدون پرداخت هزینه دادرسی برآید و انصافا در این خصوص نیز توانست تا حدود زیادی موفق عمل نماید. بطوریکه تعداد کثیری از اشخاص جامعه تاکنون از امکان برخورداری رایگان یا کم هزینه از خدمات قضایی نبودند و یا توانای مالی در خصوص پرداخت هزینه دادرسی در اقامه دعوا و دادرسی را نداشتند توانستند از طریق این مرجع احقاق حق نمایند.

در تمام صلاحیت های سازشی مصرح در ماده 8 قانون شورا بدون اخذ هزینه دادرسی رسیدگی می شود و در خصوص صلاحیت های رسیدگی به دعاوی مالی موضوع بند الف ماده 9 قانون شورا نیز در ماده 23 همان قانون هزینه رسیدگی در شورای حل اختلاف را معادل پنجاه درصد محاکم اعلام نموده است. که این امر می تواند ضمن ارتقاء سطح مطلوبیت خصوصی و اجتماعی هزینه های دادرسی، به کارایی دادرسی و آرای متعاقب بر آنها دست یافت.

مطابق ماده 23 قانون شورای حل اختلاف فعلی هزینه رسیدگی در شورای حل اختلاف در کلیه مراحل، در دعاوی کیفری و غیر مالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی معادل پنجاه درصد محاکم است، رسیدگی به دعاوی مشمول ماده 8 قانون موخر شورا « از جهت صلح و سازش » بدون هزینه دادرسی است.

علیرغم افزایش هزینه های دادرسی در سالهای اخیر که این امر را می توان یکی از آسیب ها و ایرادات وارد منتقدین به نهاد شورای حل اختلاف تلقی نمود، اما هنوز در مقایسه با داد گستری هزینه دادرسی در این مرجع شرایط بهتری دارد. مطابق ماده 23 قانون شورای حل اختلاف فعلی هزینه رسیدگی در شورای حل اختلاف در کلیه مراحل، در دعاوی کیفری و غیر مالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی معادل پنجاه درصد محاکم است، رسیدگی به دعاوی مشمول ماده 8 قانون موخر شورا « از جهت صلح و سازش » بدون هزینه دادرسی است. در نظام حقوقی ایران علیرغم اینکه مطابق اصول و قواعد فقه امامیه و اصل 34 قانون اساسی دادرسی در نظام اسلامی را حق مسلم هر فرد دانسته و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن دارد منع کرد. لذا مستفاد از ظاهر اصل مذکور پرداخت هزینه دادرسی را مانع از تظلم و دادخواهی افراد بی بضاعت نمی داند، ولی در عمل وبا نگاه و رویکرد واقع گرایانه، بطور نسبی اخذ هزینه دادرسی از اصحاب دعوا پذیرفته شده است و نمود عینی آن در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب 1377 و مواد قانونی 502 الی 515 متبلور است. با مذاقه در ظاهر و مفهوم این قوانین، تاثیر قواعد نظام حقوقی کامن لا در قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری حاضر مشهود است.

در نهاد شورای حل اختلاف برای از این بردن تعارض و در راستای تحقق عدالت قضایی، از بعد اجتماعی با کنترل و جهت دهی هزینه های دادرسی، بدوا با حذف هزینه دادرسی در خصوص درخواست های سازشی افراد، مصرح در ماده 8 قانون شورا، و در خصوص صلاحیت های رسیدگی به دعاوی مالی موضوع بند الف ماده 9 قانون شورا نیز در ماده 23 همان قانون هزینه رسیدگی در شورای حل اختلاف را معادل پنجاه درصد محاکم اعلام نموده است. که این امر می تواند ضمن ارتقاء سطح مطلوبیت خصوصی واجتماعی هزینه های دادرسی، به کارایی دادرسی و آرای متعاقب بر آنها دست یافت.

مطابق ماده 23 قانون شورای حل اختلاف فعلی هزینه رسیدگی در شورای حل اختلاف در کلیه مراحل، در دعاوی کیفری و غیر مالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی معادل پنجاه درصد محاکم است، رسیدگی به دعاوی مشمول ماده 8 قانون موخر شورا « از جهت صلح و سازش » بدون هزینه دادرسی است.

۵- نتیجه گیری

صرفنظر از رویه های موجود در خصوص هزینه دادرسی در نظام های مختلف حقوقی از جمله سیستم آمریکایی که مطابق آن پرداخت هزینه دادرسی به عهده هریک از اصحاب دعوی می باشد و سیستم اروپایی ژرمنی که طبق آن این بازنده دعوی است که می بایست هزینه دادرسی را پرداخت نماید و نظام حقوقی ایران که تا حدودی یک سیستم تلفیقی و تحت تاثیر فقه امامیه قرار گرفته است که در آن اصل بر پرداخت هزینه دادرسی بعهد اقامه کننده دعوی می باشد و برای جلوگیری از بین رفتن حق تظلم خواهی افراد جامعه و احقاق حق، مطابق قانون امکان اعلام و تقدیم درخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی به دادگاه پیشی بینی و بدان الحاق گردیده است. بدیهی است با توجه به نقش و تاثیر هزینه دادرسی در حق دسترسی عادلانه افراد به نظام دادرسی و تسهیل

دسترسی به عدالت، در راستای ارتقای کیفی و کمی دادرسی و عقلانی نمودن آن لازم است اولاً: باتوسعه و اشاعه تفکر عدالت ترمیمی در نظام های قضایی و بهره گیری از این فرایند زمینه ایجاد نهادهای خارج از دادگاه و مراجع شبه قضایی با رویکرد فصل خصومت از طریق سازش بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی وبدون اخذ هزینه دادرسی فراهم گردد تا ضمن بهره جستن از مبانی و اهداف عدالت ترمیمی از قبیل روش های نوین جایگزین سزادهی و محکوم انگاری، با بکارگیری اصول روانشناسی اجتماعی و بهره گرفتن از قواعد شرمسار نمودن بزهکاران، مجرمین و معارضین به حقوق افراد جامعه از طریق نهاد های و گروه های اجتماعی و ظرفیت های جامعه محلی در نهایت در راستای پیشگیری و قضا زدایی از تشکیل پرونده های قضایی و مراجعه اشخاص به دادگستری از تحمیل هزینه های مالی گزاف به دولتها و هزینه دادرسی به اشخاص حقیقی و حقوقی جلوگیری شود.

ثانیاً: یک سیستم یکپارچه آیین دادرسی در خصوص هزینه و خسارات دادرسی همانند سیستم آیین دادرسی فراملی در داخل هر یک از کشورها ایجاد گردد و نهادهای قانون گذاری هر سیستم حقوقی با الهام از نظام یکپارچه آیین دادرسی فراملی در جهت طراحی و تصویب قوانین با کیفیت و موثر و استاندارد در قالب استخدام اصولی همچون 1- اصل امکان دسترسی آزاد افراد به نظام دادرسی در جهت احقاق حق 2- ایجاد نهادهای خارج از دادگاه و مراجع شبه قضایی مانند شورای حل اختلاف با رویکرد حل فصل اختلافات از طریق صلح سازش، و دادرسی منصفانه، بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی وبدون اخذ هزینه دادرسی در جهت تعدیل و تقلیل هزینه ها اقدام گردد ثالثاً: از بعد اجتماعی نیز با کنترل و جهت دهی هزینه ها مثل 1- درونی کردن هزینه 2- انتقال هزینه ها می توان ضمن از بین بردن تعارض سطح مطلوبیت خصوصی و اجتماعی هزینه ها، به کارایی دادرسی عادلانه و آرای و تصمیمات متقن و صحیح متعاقب بر آنها دست یافت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ۱) محسنی، حسن، 1390 اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی، تهران چاپ اول انتشارات شرکت سهامی انتشار،
- ۲) محسنی، حسن، 1395، آیین دادرسی مدنی فرانسه چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار
- ۳) پوراستاد مجید، 1392، اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی، چاپ دوم، تهران، موسسه مطالعاتی و پژوهشی حقوقی شهر دانش
- ۴) پوراستاد مجید حصارخانی فاطمه، 1394، تحلیل اقتصادی فرایند دادرسی مدنی براساس هزینه ها، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، شماره 28، تابستان
- ۵) نجفی علی حسین ابرند آبادی، تهران 1395، دانشنامه عدالت ترمیمی، مقاله بسترهای اجتماعی و حقوقی عدالت ترمیمی در ایران، تابستان، ص. 817
- ۶) رایجیان مهرداد، 1381، دیدگاههای حقوقی، تهران بهار و تابستان، ص 23
- ۷) عباسی بیژن، (1390) کتاب حقوق بشر و آزادی های بنیادین بهار، چاپ اول، تهران، نشر گستر
- ۸) بریث ویت، 1385، مقاله عدالت ترمیمی، مترجم رایجیان اصلی، مجله تحقیقات حقوقی بهار و تابستان شماره 43،
- ۹) متین دفتری، دکتر احمد، محاکمات فوری، مجموعه حقوقی سال 1317، شماره 57، ص 1 تا 20
- ۱۰) کریمی عباس، 395، مقدمه آیین دادرسی مدنی فرانسه، تهران، جلد اول، شرکت سهامی انتشار
- ۱۱) الماسی، نجاد علی، 1391، در آمدی بر کیفیت دادرسی در فرآیند دادرسی کار آمد، در فصلنامه علمی - پژوهشی دیدگاه های حقوق قضایی دانشگاه علوم قضایی، تهران، سال هفدهم، شماره 58،
- ۱۲) انصاری، مهدی، 1390، تحلیل اقتصادی حقوق قراردادهای، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه (جنگل)،
- ۱۳) دادگر، یدالله، 1389، مؤلفه ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد، تهران چاپ اول، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم،
- ۱۴) شاول، استون، 1388، تحلیل اقتصادی حقوق، ترجمه، محسن اسماعیلی، چاپ اول - تهران - انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
- ۱۵) الماسی، نجاد علی، در آمدی بر کیفیت دادرسی در فرآیند دادرسی کار آمد، در فصلنامه علمی - پژوهشی دیدگاه های حقوق قضایی دانشگاه علوم قضایی، سال هفدهم، شماره 58، تهران، 1391.
- ۱۶) انصاری، مهدی، تحلیل اقتصادی حقوق قراردادهای، انتشارات جاودانه (جنگل)، چاپ اول، تهران، 1390.
- ۱۷) دادگر، یدالله؛ مؤلفه ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم، چاپ اول، تهران، 1389.
- ۱۸) شاول، استون، تحلیل اقتصادی حقوق، ترجمه، محسن اسماعیلی، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، تهران، تابستان، 1388.

۱۹) محسنی، حسن، اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰.

- 20) Bern Hans, clausott, Economic Analysis of Law, Edward Elgar, 2004.
- 21) Cooter, Robert, Law and Economic, 6th Edition, USA, Adision- Wesley, 2000.
- 22) Cooter, Robert and T Ulen, Law and Economics, 3th Edition, Massachusetts: Addison-Wesley, 2000.
- 23) Drahozal, Christopher, Ex ante selection of dispute for litigation in: www.ssrn.com.
- 24) Mercuro, Nicholas and Steven G. Medema, Economics and the law, 2 Edition, Princeton university press, 2006.



The effect of restorative justice in reducing the cost of
litigation in legal systems

Hashem Farhadi¹
Ahmad Shams²

Received: 17/ April/2022 Accepted: 21/ June/2022

Abstract

Today, the cost of litigation is considered one of the serious obstacles to fair legal proceedings, and in some cases, it has prevented people from accessing civil justice. The annual increase in court costs has made natural and legal persons less able to financially file lawsuits and exercise their rights traditionally by referring to the judiciary and litigation. This is one of the major challenges for governments in achieving economic, social and civil justice. Because on the one hand, the government is facing an increase in the costs of hardware and software costs such as providing physical space and manpower for the judiciary. On the other hand, increasing lawsuits and the number of lawsuits need to resolve disputes through compromise and arbitration by Out-of-court institutions with a restorative justice approach are inevitable. In our country, Iran, the Dispute Resolution Council as a quasi-judicial institution with a conciliatory approach has played an effective role in reducing the cost of litigation through a fair trial with a restorative justice approach. The present article in three speeches on the impact of restorative justice process and out-of-court institutions in reducing the trial costs are paid.

Keywords: Litigation Costs, Dispute Resolution Council,

JEL Classification: K0, K4, D63

1- Department of International Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Farhadi.hashem@yahoo.com

2- Department of International Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (responsible and author) Ahmad-shams1965@yahoo.com



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی